مراحل جهاد تبیین

آیت‌الله محسن اراکی

گاهی طاغوت و مستکبرین موفق به جلوگیری از بیان حقیقت و کتمان آن و تحریف لفظی و معنوی و تفسیر حقیقت نمی‌شوند. اینجاست که تلاش می‌کنند تا یک مصداق بد را به‌جای مصداق خوب معرفی کنند. یک الگوی بد را به‌عنوان الگوی خوب معرفی می‌کنند یا رفتار زشت را به‌عنوان رفتار خوب معرفی می‌کنند تا رفتار ناصحیح در نظر افراد به‌عنوان رفتار صحیح معرفی بشود.
در اینجا ابزار رسانه‌ای می‌تواند حقایق را با ارائه نمونه‌های صحیح برای مردم تبیین کند و الگوهای صحیح را برای مردم معرفی کند و در برابر رسانه‌های استکباری که تلاش می‌کنند مصداق نامناسب را ارائه کنند ایستادگی می‌کنند.
آیت‌الله محسن اراکی عضو جامعه مدرسین و شورای‌عالی حوزه‌های علمیه در گفت‌وگویی به بررسی مراحل پنج‌گانه جهاد تبیین پرداخته است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

• تبیین رابطه انسان با خدا و جامعه

الحمدلله رب‌العالمین، وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین؛ اولین رکن جهاد تبیین بیان زندگی انسان و رابطه انسان با خدا و مسئولیت انسان نسبت به خود، خدا و جامعه است و همچنین بیان آنچه که انبیای الهی به‌عنوان راه سعادت و کامیابی و راه زندگی برای انسان آورده‌اند و به‌عنوان مهمترین نعمت خداوند متعال به انسان است و بیان این مسائل یک واجب شرعی است. چنانچه در روایت آمده است که «ما أَخَذَ اللهُ سُبحانَهُ عَلی الجاهِلِ أن یَتَعَلَّمَ حَتّی أخَذَ عَلی العالِمِ أن یُعَلِّمَ» [غرر الحکم : ۹۶۵۰.] امام علی علیه‌السلام: خداوند سبحان، نادان را برای آموختن علم متعهّد نکرد مگر اینکه [قبلاً] دانا را به آموزش دادن متعهّد و موظّف ساخت. یعنی مسئولیت علما مقدم بر مسئولیت جاهلان و متعلمان است. ابتدا مسئولیت عالمان است که حقایق را تبیین کنند و البته بر جاهلان نیز مسئولیت این است که این مطالب را فرا بگیرند. این اولین بخش مربوط به جهاد تبیین است و بخشی بسیار گسترده است. این بخش همیشه وجود داشته و اصلی‌ترین رسالت انبیا بوده است و قرآن کریم وظیفه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اینگونه بیان می‌کند که ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾؛ نحل/ ۴۴

• مبارزه با کتمان

مرحله دوم جهاد تبیین مبارزه با کتمان است. برنامه دشمنان انسانیت در برابر رسالت انبیا این است که حقایق و بیان الهی به گوش بشر نرسد و در قرآن کریم به این مطلب بسیار توجه شده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾؛ بقره/ ۱۵۹. این آیه شریفه مسئله کتمان را بسیار بااهمیت قلمداد می‌کند. گاهی به انبیا اجازه داده نمی‌شد که پیام آنها به گوش مردم برسد. قرآن کریم از زبان حضرت نوح نقل می‌کند: ﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾، نوح/۷. و هر چه آنان را به مغفرت و آمرزش تو خواندم، انگشت بر گوش نهادند و جامه به رخسار افکندند (تا مرا نبینند و سخنم را نشنوند) و (بر کفر) اصرار و لجاج ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند. یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ﴾؛ فصلت/۲۶. سران کفر به پیروانشان اینچنین تلقین می‌کردند که پیام انبیا را گوش نکنید. یا در جای دیگر داریم که سر و صدا می‌کردند تا مانع رسیدن پیام انبیا به گوش انسان‌ها بشوند.

• مقابله با تحریف لفظی و بیانی دشمن

مرحله سومی که طاغوت در مقابله با جهاد تبیین به کار می‌گرفتند، تحریف لفظی و بیانی است که برای آنها گفته می‌شده است. یعنی کلمه‌ای برداشته و کلمه‌ای دیگر به جای آن می‌گذاشتند یا کلمه و جمله‌ای را کم و زیاد می‌کردند و این کار در رسانه‌های طاغوتی و رسانه‌های وابسته به استکبار جهانی دیده می‌شود تا از رسیدن پیام انبیا به گوش مردم جلوگیری کنند و پیام رهبران و رسل الهی به مردم را تحریف لفظی می‌کنند. لذا در جهاد تبیین لازم است ابزار رسانه‌ای به کار گرفته بشود تا از این‌گونه تحریف جلوگیری بشود.

• مقابله با تحریف معنوی و معنایی دشمن

مرحله چهارم جهاد تبیین مبارزه با نوع دیگری از تحریف است که تحریف معنوی به معنای تفسیر بد و شرح نامناسب کلام است. گاهی کلام الهی و کلام رسل الهی و کلام علمای ربانی به‌وسیله طاغوت نادرست تفسیر می‌شود تا به نفع آنها باشد. یعنی کلمه و معنی را آنچنان تحریف می کنند تا آن را از محتوا خالی کنند. مانند کاری که با واژه های دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، مسئله زن و حقوق زن و امثال آن مطرح می شود. معنای آزادی و حقوق انسان و حقوق زن را تغییر معنی می دهند تا از رسیدن پیام انبیاء به گوش مردم جلوگیری کنند. یکی از وظایف ما در جهاد تبیین بیان تفسیر صحیح از معانی و پیام انبیا از حقایق مورد نیاز مردم است.

• مبارزه با تحریف در تطبیق و تحریف در ارائه مصداق

مرحله پنجم و آخرین مرحله از جهاد تبیین که می‌تواند موجب به نتیجه رسیدن جهاد تبیین بشود، مبارزه با تحریف در تطبیق و تحریف در ارائه مصداق است. گاهی طاغوت و مستکبرین موفق به جلوگیری از بیان حقیقت و کتمان آن و تحریف لفظی و معنوی و تفسیر حقیقت نمی‌شوند. اینجاست که تلاش می‌کنند تا یک مصداق بد را به‌جای مصداق خوب معرفی کنند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ بقره/۴۲. یعنی باطل را به‌جای حق می‌نشانند و رویه‌ای از حق به روی باطل می‌کشند و باطل را به‌عنوان مصداق حق معرفی می‌کنند. یک الگوی بد را به عنوان الگوی خوب معرفی می‌کنند یا رفتار زشت را به‌عنوان رفتار خوب معرفی می‌کنند تا رفتار ناصحیح در نظر افراد به‌عنوان رفتار صحیح معرفی بشود. بسیاری از کارهای هنری می‌تواند به‌عنوان این نوع از تحریف و یا به‌عنوان مبارزه با این نوع از تحریف به کار گرفته بشوند. از مهمترین نقش‌های کارهای هنری مبارزه با تحریف تطبیقی و مصداقی و تحریف میدانی است.

اینجا ابزار رسانه‌ای حقایق را با ارائه نمونه‌های صحیح برای مردم تبیین می‌کنند و الگوهای صحیح را برای مردم معرفی می‌کنند و در برابر رسانه‌های استکباری که تلاش می‌کنند مصداق نامناسب را ارائه کنند ایستادگی می‌کنند.

امروزه در این پنج مرحله از جهاد تبیین وارد یک مبارزه بسیار سخت شده‌ایم. دشمن در هیچ یک از ادوار تاریخ چنین حمله همه‌جانبه‌ای علیه اسلام و رسالت انبیا به راه نینداخته بود. امروز ما با تمام انواع پنجگانه ضد تبیین مواجه هستیم. حوزه‌های علمیه و علمای حوزه و دانشگاهیان و اهل رسانه و نویسندگان و هنرمندان و کسانی که به شکلی ابزار بیان را در اختیار دارند و شعرا و .. باید با این پنج مرحله ضد تبیین، مبارزه کنند. این مبارزه در طول تاریخ بشر ادامه داشته است، اما امروزه جهاد تبیین در این عرصه‌های پنجگانه از همه دوران‌ها حساس‌تر و واجب‌تر است. چرا که دشمن بزرگترین و مهمترین ابزاری که به کار گرفته است، ابزار رسانه و ابزار جنگ شناختی و ابزار جنگ بیانی است و با تحریف در مقابله با حقیقت کار می‌کند. این مسئله ایجاب می‌کند که حوزه های علمیه و طرفداران حق با همه ابزارها به میدان بیایند و انشاءالله با جهاد تبیین دشمن را در این عرصه هم شکست بدهند.

جهاد تبیین و تعالی فهم عمومی جامعه

آیت‌الله سید محمد غروی

جهاد، هزینه کردن است و از خصوصیات جهاد، این است که کار به راحتی انجام نمی‌گیرد و شخص باید هزینه بکند و دست از برخی منافع خودش بردارد و گاهی نیاز به ریسک و خطر دارد تا کار به انجام برسد. عنوان جهاد تبیین که رهبر معظم انقلاب نسبت به آن تأکید کرده‌اند، به اعتقاد بنده بیشتر ناظر به مقوله جهاد است. به این معنی که برای باقی ماندن و تداوم حقایق لازم است جهاد انجام بدهیم و لازمه این جهاد هم یک نوع چالش است و احیاناً لازم است در انجام آن خطراتی را قبول کنیم.
آیت‌الله سید محمد غروی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در این گفت و گو ضمن تبیین چیستی جهاد و تبیین، به راهکارها و رسالت حوزویان در این موضوع پرداخته است که در ادامه می خوانید.

• تأملی در مسئله ارشاد و معروف در منابع دینی

عنوان ارشاد در منابع دینی به‌عنوان ارشاد شخص ناآگاه و بی‌اطلاع آمده است. این ارشاد گاهی نسبت به احکام الهی و واجبات است، به‌خصوص احکامی که از اهمیت بیشتری برخوردارند و نیز گاهی ارشاد به موضوعاتی است که احکام خاصی دارد. این نوع از ارشاد مربوط به افراد بدون اطلاع و جاهل است.

همچنین عنوان امر به معروف و نهی از منکر نیز در منابع دینی آمده است که بیشتر ناظر به کسانی است که آگاه به معروف هستند و همچنین منکر را می‌شناسند، اما به‌دلیل لغزشگاه‌ها و لغزش‌ها مبتلای به ترک معروف یا انجام منکر می‌شوند. از جمله واجبات الهی امر به معروف و نهی از منکر است. علت آن هم این است که فضای جامعه برخوردار از معروف باشد؛ چرا که روی افراد تأثیر و تأثر دارد و همچنین منکر خودش را در جامعه نشان ندهد و به‌عنوان ارزش مطرح نشود. این مسئله یک وظیفه عمومی است و البته ممکن است برخی نسبت به آن مسئولیت بیشتری داشته باشند. از آیات هم می‌توانیم این را استنفاده کنیم آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آل‌عمران/۱۰۴؛ که نشان می‌دهد برخی افراد وظیفه بیشتری در خصوص امر به معروف و نهی از منکر دارند.

• سنخ تبیین از مقوله جهاد است

جهاد دارای انواعی است که گاه به مال و گاه به نفس است. این جهاد گاهی در برابر کفار یا منافقین است و انسان وظیفه دارد تلاش کند و لازمه این تلاش در جهاد هزینه کردن است و از خصوصیات جهاد این است که کار به راحتی انجام نمی‌گیرد و شخص باید هزینه بکند و دست از برخی منافع خودش بردارد و گاهی نیاز به ریسک و خطر دارد تا کار به انجام برسد. عنوان جهاد تبیین که رهبر معظم انقلاب نسبت به آن تأکید کرده‌اند، به اعتقاد بنده بیشتر ناظر به مقوله جهاد است. به این معنی که برای باقی ماندن و تداوم حقایق لازم است جهاد انجام بدهیم و لازمه این جهاد هم یک نوع چالش است و احیاناً لازم است در انجام آن خطراتی را قبول کنیم. به نحوی می‌توان جهاد تبیین را از مصادیق جهاد به انفس یاد کرد، چرا که جهاد با زبان نیز هست.

• حوزه و جهاد تبیین

وظیفه طلاب و علماء در درجه اول این است که احکام الهی را یاد بگیرند و در درجه دوم بازگو کردن آنها برای مردم است و در مرحله بعد نیز وظیفه آنها دفاع از این احکام الهی است و این وظیفه اولیه علماست. برخی از وظایف از جمله وظایف اجتماعی است و نمی‌توانیم بی تفاوت از کنار آن عبور کنیم.

این‌که نظامی بر اساس مبانی و معارف اسلامی و چارچوب‌های اسلامی شکل بگیرد، یک واجب است و در مرحله اولیه این وظیفه با مشاهده زمینه‌ها و شرایط بر عهده علماء قرار دارد. برپایی همین نظام اسلامی یک وظیفه دینی بود که در زمان‌هایی شرایط آن فراهم نبود، اما به لطف الهی و حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و کوشش بزرگان و خون شهدا و رهبری محوری امام راحل، نظام طاغوت رفت و نظام اسلامی برپا شد. برپایی این نظام هزینه‌های زیادی داشته و ارزش این هزینه‌ها را هم داشته است.

مقدمات و زمینه‌هایی از آغاز وجود داشته و نیروهایی صرف شده و خون‌هایی ریخته شده تا نظامی بر اساس اسلام شکل بگیرد که در رأس این نظام یک فقیه و مجتهد قرار بگیرد و در نتیجه مشروعیت پیدا کند. در این رابطه حوزه نقش محوری داشته است و اگر کسی حوزه را بشناسد به این مسئله اعتراف می‌کند.

• نقش محوری حوزه در شکل گیری نظام اسلامی

در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، جرقه آغازین تشکیل نظام اسلامی به وجود آمد و تلاش‌های زیادی صرف شد و به‌دلیل عظمت کار انتظار نداشتیم به راحتی نظام طاغوتی از بین برود و نظام اسلامی حاکم بشود؛ اما در این میان، حوزه نقش محوری داشت و رهبری این نهضت و انقلاب، امام و مراجع بودند و بیشترین سرمایه‌گذاری را حوزه و علماء انجام دادند و شهدایی تقدیم کردند و تبعید و شکنجه‌ها را تحمل کردند. چنانچه اگر روحانیت نبود، به‌طور مسلم چنین انقلابی با این خصوصیات شکل نمی‌گرفت. البته مردم مسلمان ایران به روحانیت اعتماد داشتند و از رهبری روحانیت تبعیت کرده و تلاش خودشان را به کار گرفته و ایثار کردند تا نظام شاهنشاهی از بین برود و نظام الهی مستقر شود.

• انقلاب و سنگ‌اندازی دشمنان نظام

جریان این نظام مانند سایر جریان‌های طبیعی دنیا نبود. بلکه همه قدرت‌ها با این نظام اسلامی مخالف بودند و تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا نظام شاهنشاهی باقی بماند و نظام اسلامی شکل نگیرد؛ چرا که این انقلاب را بر خلاف منافع خودشان می‌دانستند. می‌دانستند این انقلاب زمینه را برای سایر حرکت‌ها در کشورهای دیگر پدید می‌آورد. بنابراین این‌طور نیست که در دنیا از نظام اسلامی ما حمایت بشود. بلکه در راه آن سنگ‌اندازی می‌کردند.

در جریان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی تمامی نیروها از صدام پشتیبانی می‌کردند، چنانچه از شاه نیز تمامی وجوه حمایت را به‌کار گرفتند و موفق نشدند. بنابراین کسی از ما حمایتی نمی‌کرد. تنها هجمه‌های سیاسی و تبلیغاتی و تحریم‌های مختلف را برای ما اعمال می‌کردند. اما نکته مهم این بود که به‌دلیل رهبری انقلاب و نقشی که روحانیون و متدینین داشتند، تمام این توطئه‌ها تا اندازه‌ای ناکام ماندند. اما این‌طور نبود که این توطئه‌ها تأثیرگذار نبودند. البته یکی از آثار این تلاش دشمنان پیشرفت ما بود. اگر جنگ و تجربه ما در زمینه جنگ نبود که کسی به داد ما نمی‌رسید و باید استقلال نظامی داشته باشیم، توان دفاعی ما به اینجا نمی‌رسید. « وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ ، انفال ۶۰» و متناسب با امروز تحقق پیدا نمی‌کرد. امروز اگر دشمنان ما تا اندازه‌ای اطمینان پیدا کنند که ریسک حمله نظامی به ایران بالا نباشد این کار را خواهند کرد. اما این کار را انجام نمی‌دهند چون می‌دانند خطر آن بسیار زیاد است و اقدام به توطئه‌های تبلیغاتی و دیگر زمینه‌ها می‌کنند و مهمتر از همه، در ارتباط با تحریم‌ها کار می‌کنند و تبلیغات گسترده‌ای با امکانات فضای مجازی و مزدوران خودشان انجام می‌دهند.

• جهاد تبیین و تعالی فهم عمومی جامعه

شرایط امروز ما بسیار حساس است و دشمن تمام تلاش خود را به کار گرفته است. در این رابطه مسئله مهم این است که برخی افراد همه متغیرهایی که وجود دارد و مشکلات را می‌فهمند و جمع‌بندی می‌کنند. اما همه افراد نمی‌توانند به این صورت دارای درک همه‌جانبه باشند که اولاً نظام شاهنشاهی چه بوده و چه خطراتی برای دین و زندگی مردم داشته و اگر ادامه پیدا می‌کرد با این شرایط فساد که در جهان حاکم است آیا نظام خانواده ما وضعیت امروز را داشت و این فضا در جامعه وجود داشت و ما جوانانمان را داشتیم؟ بنابراین باید بدانیم که نظام شاهنشاهی چطور عمل می‌کرد و چه خفقانی حاکم بود و چه نقشی داشت که جامعه ما را به سوی فساد و تباهی پیش ببرد. از سوی دیگر تبعیض‌هایی که در زمان طاغوت وجود داشت، اگر به این‌ها دقت شود، اگر انسان همه توطئه‌های دشمنان را درک کند و واقعیات جامعه را درک کند شرایط تغییر خواهد کرد و اشخاص متوجه خواهند شد که برخی از مشکلات طبیعی است و قابل درک است. اما این مسئله نیاز به جامع‌نگری دارد که فرد گذشته را دیده باشد و همه متغیرها و اطلاعات بین‌المللی در زمینه اجتماعی و سیاسی و ... را داشته باشد تا بتواند تحلیل صحیحی داشته باشد. این جامع‌نگری همگانی نیست و افراد محدودی چنین جایگاهی دارند.

بنابراین علما باید مسائل را تبیین کنند که ما در کجا بودیم و به کجا رسیده‌ایم و به چه جایگاهی می‌توانیم برسیم و دوم این‌که چه توطئه‌هایی وجود دارد و چطور می‌توانیم با این توطئه‌ها مقابله کنیم و مسئله آخر این‌که چطور باید صبوری داشته باشیم. در عین حال منافاتی ندارد که خطاهایی هم مشاهده شود؛ اما در کل می‌بینیم که ما بهترین مسئولین را در مجموع در دولت‌های مختلف داشته‌ایم و البته خطاهایی را اشخاصی داشته‌اند. لذا مقام معظم رهبری جهاد تبیین را که مطرح می‌کنند ناظر به این واقعیات است و بسیاری از جوانان ما از شرایط امروز ما و کارهایی که انجام گرفته خبر ندارند و گذشته را ندیده‌اند و نقاط قوت ما و نقاط ضعف آنها را ندیده‌اند. بعد از انقلاب کارهای بسیاری انجام گرفته است، اما شبکه‌های اجتماعی چنان حمله کرده‌اند و برخی را کر و کور کرده‌اند که افراد اطلاعی ندارند و خیال می‌کنند هیچ کاری نشده و سؤال می‌کنند در این ۴۴ سال چه کاری انجام شده است؟ بنابراین باید توضیح بدهیم که چه کارهایی انجام گرفته و وضعیت شهرها و روستاها و راه‌ها را بیان کنیم و مسائل رونق اقتصادی و استقلال سیاسی و نظامی و آزادی را بیان کنیم. البته باید قبول کنیم که قصور در برخی کارها نیز وجود داشته است و البته عامدانه هم نبوده است.

جهاد کبیر

آیت‌الله احمد بهشتی

جهاد تبیین، راهبردی بسیار مهم برای مقابله با هرگونه انحراف و تحریف در گفتمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ به‌طوری که رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در مقاطع گوناگون بر آن تأکید کرده و مهم‌ترین مخاطب در جهاد تبیین را علما و فقها می‌دانند. با توجه به لزوم توجه به این مسئله، نقش روحانیت در آگاهی بخشیدن و روشنگری در شرایط فعلی جامعه اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. بر این اساس آیت‌الله احمد بهشتی در گفتاری به این مهم پرداخته است.

• وظیفه جامعه مدرسین در موضوع جهادگران تبیین

مقام معظم رهبری بر جهاد تبیین – که در قرآن، جهاد کبیر نامیده شده – بسیار اصرار می‌ورزند و حق همین است.۱ قطعاً این وظیفه سنگین بر دوش حوزه و علما و مبلغین است. باید جهادگران تبیین را حمایت و هدایت و تشویق کرد. جامعه مدرسین به عنوان یک نهاد سابقه‌دار حوزوی، برای تحقق همه‌جانبه جهاد تبیین، باید برنامه‌ریزی کند. همچنین باید موانع را رصد کرد و در دفع و رفع آن‌ها کوشید. باید استعدادها را کشف کرد و مورد حمایت قرار داد. جوان‌های مستعد در حوزه‌ها بسیارند، از این استعدادها باید بهره‌مند شد. امام خمینی‌ﷺ و امام خامنه‌ای (دام ظله) از بین جوان‌های هم‌دوره خود برخاسته‌اند. جوان‌های امروز و فردا نیز مستعدند که امثال ایشان را در آینده تحویل جامعه دهند. پس باید به آن‌ها عنایت ورزید.

• نقش و جایگاه علمای بلاد در عرصه جهاد تبیین

علمای بلاد جهادگران تبیین و میدان‌داران اصلی خدمت به مردم هستند. علمای بلاد را باید به حساب آورد. آن‌ها در میان مردم ایران و کشورهای دیگر جهادگران تبیین‌اند، چه مانعی دارد که در جلسات هفتگی جامعه مدرسین دعوت شوند و گزارش دهند که چه مشکلاتی دارند و چه توفیقاتی کسب کرده‌اند.

خود اعضای جامعه هم ارتباطاتی دارند. باید از تجارب آن‌ها در راه جهاد تبیین استفاده کرد. ارتباطات جامعه باید در راه رفع مشکلات تبیین و تقویت مقتضیات باشد، مراجع معظم نیز ارتباطات مردمی گسترده‌ای دارند. از رهنمودهای آن‌ها نیز باید بهره‌مند شد.

• پی نوشت

۱. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیه۵۲ سوره فرقان فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا می‌فرمایند:
«فَلا تُطِعِ الکافِرینَ وَ جاهِدهُم بِهِ، یعنی "بعدم الاطاعة"؛ عدم‌الاطاعة یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا [می‌کند] و مستتر در آن فعل است؛ فَلا تُطِعِ الکافِرینَ وَ جاهِدهُم بِهِ، یعنی به این عدم‌الاطاعة، جِهادًا کَبیرًا؛ پس عدم‌الاطاعة شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است؛ حالا من البتّه فحص نکردم ببینم در بین مفسّرین کسانی این احتمال را داده‌اند یا نه، لکن به‌هرحال این احتمال، احتمال مهمّی است. جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیّت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن.»